



فروشندگان وطن پرستی دروغین - سرگئی کوژمیایکین



با این حال، دیدگاه‌های افراطی AfD به حدی رسیده که حتی هیتلر را نیز «کمونیست» می‌دانند، چراکه به عقیده آنان، او در اقتصاد دخالت کرده است. آلیس وایدل، رئیس مشترک این حزب، در گفت‌وگویی با ایلان ماسک چنین ادعایی را مطرح کرده است.

سرگئی کوژمیایکین
ترجمه مجله جنوب جهانی



دام‌های عوام‌فریبی

موفقیت حزب «آلترناتیو برای آلمان» (AfD) یک پیروزی دیگر برای جناح راست افراطی بود. در قلب این روند، حمله سرمایه‌داری در پوشش پوپولیسم و خطابه‌های ملی‌گرایانه قرار دارد.

در جنگی «سرد» - و در صورت لزوم «داغ» - علیه کارگران، طبقه بورژوازی «دام‌های معنایی» پهن می‌کند. صد سال پیش، بسیاری از مردم آلمان، ایتالیا و دیگر کشورها بر این باور بودند که فاشیست‌ها علیه نخبگان فاسد، «دشمنان داخلی» و دسیسه‌های قدرت‌های امپریالیستی می‌جنگند. خوشبختانه، کمونیست‌ها در آن زمان فریب این حيله را نخوردند، اگرچه وسوسه بسیار بزرگ بود.

«آخرین خرده‌های ثروت ملی که به همه مردم آلمان تعلق دارد... به

دست انگل‌های سیری‌ناپذیر خواهد افتاد.»

«اگر نگاه لیبرالیستی به جهان، فرد را به مرتبه پرستش بالا می‌برد... ناسیونال‌سوسیالیسم هدفش حفظ ملت است.»

«مبارزه با سرمایه‌داری بین‌المللی و وام‌های کلان، اکنون به مهم‌ترین اصل برنامه‌ای مبارزه کل ملت آلمان برای استقلال اقتصادی و آزادی‌اش تبدیل شده است.»

«جهان سیاسی مدرن کاملاً فریبکارانه است. دموکراسی تنها یک پرده‌پوشی برای این دروغ‌هاست.»

چنین اظهاراتی از هیتلر به راحتی می‌توانند به معنای ظاهری خود تفسیر شوند - مگر اینکه بدانید سرمایه‌داری بزرگ همیشه پشت سر فاشیسم بوده است. به عبارت دیگر، مهم است که نه تنها به آنچه گفته می‌شود توجه کنیم، بلکه ببینیم چه کسی آن را می‌گوید و با چه هدفی.



تکرار تاریخ

یک قرن بعد، جهان با همان دام روبه‌رو شده است. جنبش راست افراطی به نیروی اصلی سیاسی در غرب تبدیل شده است. در انتخابات بوندستاگ، حزب آلترناتیو برای آلمان با کسب ۲۱ درصد آرا به دومین حزب بزرگ تبدیل شد و به رکورد جدیدی برای خود دست یافت. راست افراطی در ایتالیا قدرت را در دست دارد و در دولت ائتلافی هلند حضور دارد. گروه‌های مشابهی در اتریش، پرتغال، بریتانیا، فرانسه و حتی در انتخابات پارلمان اروپا موفقیت‌هایی کسب کرده‌اند. اگر همین حالا انتخابات در بریتانیا برگزار شود، حزب «اصلاح‌طلبان» پیروز خواهد شد و جای حزب‌های کارگر و محافظه‌کار را خواهد گرفت. همچنین، محبوبیت حزب راست‌گرای «ووکس» در اسپانیا و حزب «صدای عقل» در یونان در حال افزایش است.

دلایل موفقیت این گروه‌ها همان عواملی هستند که هیتلر و همدستانش را ده سال پس از کودتای نافرجام «آبجوفروشی» به قدرت رساند. سرمایه‌داری آن‌ها را نجات‌دهنده خود دید، زیرا می‌توانست نارضایتی عمومی از مشکلات واقعی را به سمت موضوعات دست‌کاری‌شده‌ای همچون مهاجران، «چپ‌گرایان»، «جهانی‌گرایان» و «چین کمونیستی» منحرف کند. این حقیقت که هجوم مهاجران در واقع نتیجه سیاست‌های امپریالیستی بوده و در خدمت منافع شرکت‌های بزرگ قرار دارد - همان‌گونه که «دیتلر زتشه»، رئیس سابق هیئت‌مدیره شرکت دایملر اذعان داشت: «پناهندگان پایه‌های معجزه اقتصادی بعدی آلمان را تشکیل می‌دهند» - به‌دقت از افکار عمومی پنهان می‌شود.

چرخش سرمایه‌داری به سمت راست‌گرایان در آمریکا حتی واضح‌تر است. روزنامه پراودا (در شماره ۲۴ تا ۲۷ ژانویه امسال) نوشت که دونالد



ترامپ با حمایت بزرگ‌ترین انحصارات به کاخ سفید راه یافت و برنامه او در راستای حداکثرسازی سود طبقه حاکم است. سرمایه‌داری اروپا نیز در همان مسیر گام برمی‌دارد و پیروزی جمهوری‌خواهان در آمریکا این روند را تسریع کرده است - و این تسریع بسیار چشمگیر است.

رهبران راست افراطی اروپا در مراسم تحلیف ترامپ حضور داشتند. حمایت منفعلانه از هم‌پیمانان، به سرعت به تبلیغ فعالانه تبدیل شد. ثروتمندترین فرد جهان و عضو دولت ترامپ، «ایلان ماسک»، به تبلیغ برای حزب آلترناتیو برای آلمان پرداخت و ادعا کرد که تنها این حزب می‌تواند «آلمان را نجات دهد». سپس نوبت به «جی. دی. ونس»، معاون رئیس‌جمهور آمریکا رسید. سخنرانی او در کنفرانس امنیتی مونیخ مورد استقبال بسیاری در روسیه قرار گرفت، زیرا او ادعا کرد که واشنگتن «نخبگان متکبر اروپایی را سر جای خود نشانده است». اما در واقع، سخنرانی ونس تنها یک پیام داشت: او

به اتحادیه اروپا هشدار داد که نباید راه راست افراطی را سد کند، وگرنه آمریکا گفت‌وگو با بروکسل را غیرممکن خواهد کرد.

«بازپس‌گیری جدید»

نقطه اوج همبستگی نیروهای ارتجاعی، کنگره «میهن‌پرستان برای اروپا» بود، یک گروه از پارلمان اروپا که شامل ۱۶ حزب ملی‌گرا می‌شود. این نشست در روزهای ۸ و ۹ فوریه در مادرید، با شعار کهنه «اروپا را دوباره عظمت ببخشیم»، برگزار شد. اما شرکت‌کنندگان هیچ اشاره‌ای به مشکلات جدی اتحادیه اروپا - مانند نرخ ۱۵ درصدی بیکاری در میان جوانان، فقر یک‌پنجم جمعیت، یا نابودی حقوق اجتماعی و کارگری - نکردند.

آن‌ها اولویت‌های دیگری داشتند.

در وهله نخست، هیئت‌های شرکت‌کننده، از پیروزی ترامپ ابراز



حمایت می‌کردند. «شما اولین کسانی بودید که اسلام را رد کردید و میراث غنی مسیحیت را احیا نمودید.» این سخنان را خرت ویلدرس، رهبر حزب آزادی هلند، خطاب به میزبانان این نشست بیان کرد. آندره ونتورا، رهبر حزب پرتغالی «چگا»، نیز تأکید کرد: «ما باید اروپا را بازپس بگیریم، اروپای مسیحی را!» و ویکتور اوربان، نخست‌وزیر مجارستان، افزود: «اروپا به همان شیوه‌ای که اروپا در اسطوره‌شناسی توسط یک گاو ربوده شد، امروز توسط ایدئولوژی مترقی به گروگان گرفته شده است.»

رهبران اتحادیه اروپا نیز در این نشست به شدت مورد حمله قرار گرفتند. آندری بابیش، الیگارش اهل چک و رهبر حزب ANO، بروکسل را به تلاش برای خفه کردن کسب‌وکارها متهم کرد و خواستار بازگشت به سیاست‌های بازار آزاد شد.

خطمشی سیاست خارجی راست افراطی نیز در این نشست به وضوح

خرسندی کردند. «ویکتور اوربان»، نخست‌وزیر مجارستان، لحن جلسه را تعیین کرد و گفت: «دوست ما ترامپ - گردباد ترامپ - در عرض چند هفته دنیا را دگرگون کرد. این دوره به پایان رسیده است. امروز، همه می‌بینند که آینده متعلق به ماست.»

این شور و اشتیاق از سوی «مارین لوپن»، رهبر حزب «اجتماع ملی» فرانسه، نیز تکرار شد. او بازگشت ترامپ را «بیداری میهن‌پرستانه یک ملت که نیروهای انحطاط را پس زده و به نقطه بی‌بازگشتی جهانی رسیده است» توصیف کرد.

سایه ترامپ بر فراز کنوانسیون

حتی پس از فروکش کردن ستایش‌ها، سایه ترامپ همچنان بر نشست سایه افکنده بود. رایج‌ترین جلوه آن، مفهوم «بازپس‌گیری جدید» یا همان «پاک‌سازی اروپا از بیگانگان» بود. این بیگانگان شامل مهاجران، چپ‌گرایان و لیبرال‌های مرددی بودند که از آنان



سفر اظهار داشت: «اسرائیل دژ تمدن غرب است. ما باید از آن دفاع کنیم. ما دشمنان مشترکی داریم.» همچنین، رهبران راست‌گرای مجارستان و ایتالیا با حکم بازداشت دیوان کیفری بین‌المللی علیه نتانیاو مخالفت کردند و از تلاش‌های ترامپ برای مقابله با این دادگاه و دیگر نهادهای سازمان ملل حمایت به عمل آوردند.

خدمت به سرمایه‌داری

حتی مرور کوتاهی از نشست «میهن‌پرستان» تصویری کاملاً متفاوت از ملی‌گرایان ارائه می‌دهد. به جز محدود استثنایها، این نیروها به شدت به اصول نئولیبرالیسم پایبند هستند. برای نمونه، حزب اصلاحات بریتانیا را در نظر بگیرید. این حزب با وعده‌های ظاهر فریب و سطحی مانند لغو سود وام‌های دانشجویی و ارائه وای‌فای رایگان در حمل‌ونقل عمومی، رأی‌دهندگان را جذب می‌کند، اما در مسائل کلیدی کاملاً در کنار شرکت‌های بزرگ قرار دارد. رهبران این حزب

نمایان شد. خاویر میلی، رئیس‌جمهور آرژانتین، و ماریا ماچادو، رهبر اپوزیسیون ونزوئلا، از طریق ویدئوکنفرانس سخنرانی کردند و حمایت کامل خود را از اسرائیل و طرح‌های ترامپ برای الحاق نوار غزه اعلام نمودند. همچنین، شرکت‌کنندگان به اتفاق آرا، عضویت حزب حاکم اسرائیل، لیکود، را به عنوان ناظر تصویب کردند. روزنامه جروزالم پست در این باره نوشت: «آیا گسترش روابط اسرائیل با "میهن‌پرستان برای اروپا" اقدام هوشمندانه‌ای است؟ قطعاً بله! برخی احزاب این گروه کاملاً از ما حمایت می‌کنند، مانند حزب فیدس مجارستان، لیگ ایتالیا، و حزب ووکس اسپانیا. حتی حزب اجتماع ملی فرانسه نیز موضعی کاملاً حامی اسرائیل اتخاذ کرده است.»

مدتی پیش از این نشست، سه نماینده پارلمان اروپا از حزب ووکس اسپانیا از کرانه باختری رود اردن دیدار کردند و از اشغالگران حمایت نمودند. جرمن ترش، نماینده این حزب، در این



بانکدار سابق است. در میان اعضای ارشد حزب، نام ریچارد تایس، میلیاردر و مالک شرکت‌های توسعه، و ایان گریبین، عضو پیشین هیئت‌مدیره بانک‌های کردیت سوئیس و مریل لینچ به چشم می‌خورد. از جمله حامیان مالی این حزب نیز می‌توان به دیوید لیلی، مدیر سرمایه‌گذاری در شرکت Drakewood Capital، پاول مارشال، صاحب یک صندوق پوشش ریسک، و کریستوفر هاربورن، سرمایه‌گذار در حوزه ارزهای دیجیتال، اشاره کرد. روزنامه چپ‌گرای Morning Star بریتانیا، ارتباطات نزدیک این حزب را با شرکت‌های آمریکایی و آژانس‌های روابط عمومی همچون Capital HQ برجسته کرده است.

الگوی آلمانی راست افراطی

حزب آلترناتیو برای آلمان (AfD) را می‌توان یک «کلون» ایدئولوژیک از راست افراطی بریتانیا دانست. این حزب در سال ۲۰۱۳ توسط گروهی از اقتصاددانان نئولیبرال بنیان‌گذاری شد.

صراحتاً اعتراف می‌کنند: «هسته ایدئولوژیک ما لیبرالیسم کلاسیک و تاچریسم است.» احترام به «بانوی آهنین» با دقت حفظ می‌شود. نایجل فاراژ، رهبر این حزب، می‌گوید: «مارگارت تاچر اگر امروز بود، با ما می‌بود.»

شباهت این حزب با تاچر در برنامه اقتصادی آن مشهود است. این حزب وعده داده است که مالیات شرکت‌ها را از ۲۵ درصد به ۱۵ درصد کاهش دهد، مالیات بر ثروت و ارث را کاهش دهد، و هزینه‌های عمومی، از جمله کمک‌های بیکاری را کم کند، درحالی‌که از منافع شرکت‌های خصوصی فعال در حوزه‌های بهداشت و آموزش حمایت نماید. اما درخصوص بودجه نظامی، هیچ محدودیتی وجود ندارد. این حزب خواستار افزایش هزینه‌های دفاعی به ۳ درصد تولید ناخالص داخلی و تقویت صنایع نظامی است.

رهبران این حزب از طبقه سرمایه‌دار هستند. نایجل فاراژ خود یک میلیونر و



سیاست‌های ریاضتی در هزینه‌های بودجه‌ای است.

عواقب قدرت گرفتن راست افراطی: نمونه ایتالیا

تجربه ایتالیا نشان می‌دهد که به قدرت رسیدن راست افراطی چه پیامدهایی دارد. بودجه سال ۲۰۲۵ این کشور، کاهش هزینه‌های بخش بهداشت، آموزش و حمل‌ونقل عمومی را به همراه دارد، درحالی‌که هزینه‌های نظامی ۲ میلیارد یورو افزایش یافته است. افزایش حقوق در بخش دولتی تنها ۶ درصد در سه سال آینده پیش‌بینی شده، درحالی‌که حقوق کارگران و قوانین حمایتی آن‌ها تحت فشار قرار گرفته است.

پاسخ دولت به اعتصاب‌های گسترده، نه توجه به مطالبات کارگران، بلکه تشدید تدابیر سرکوبگرانه بوده است.

ملی‌گرایی رسمی بسیار خاص است. در حالی که مهاجران به حاشیه رانده شده

یکی از آن‌ها، پیتر بوه‌رینگر، که عضو بنیاد لیبرترین فریدریش فون هایک است، مدل اقتصاد آزاد پیشنهادی توسط لودویگ ارهارد، وزیر اقتصاد آلمان در دهه ۱۹۴۰ را یک الگوی ایده‌آل می‌داند. از نگاه او، سیاست اقتصادی کنونی اتحادیه اروپا بیش از حد «متمرکز و برنامه‌ریزی‌شده» است.

با این حال، دیدگاه‌های افراطی AfD به حدی رسیده که حتی هیتلر را نیز «کمونیست» می‌داند، چراکه به عقیده آنان، او در اقتصاد دخالت کرده است. آلپس وایدل، رئیس مشترک این حزب، در گفت‌وگویی با ایلان ماسک چنین ادعایی را مطرح کرده است.

این دیدگاه‌ها به‌وضوح در برنامه حزب AfD منعکس شده‌اند: «هرگونه اقتصاد هدایت‌شده توسط دولت، دیر یا زود به تخصیص نادرست منابع و فساد منجر خواهد شد.» این حزب به دنبال حذف کامل مالیات بر دارایی و ارث، کاهش یارانه‌های دولتی و اجرای



را هدف قرار می‌دهد، نسبت به سرمایه خارجی وفادار است. انواع و اقسام مزایا برای شرکت‌های آمریکایی فراهم می‌شود، از جمله شرکت‌های متعلق به ایلان ماسک، که نخست‌وزیر ایتالیا، جورجیا ملونی، او را «نابغه‌ای ارزشمند» می‌خواند. او اعلام می‌کند: «ایتالیا و ایالات متحده همیشه متحد خواهند بود.» در مقابل، ترامپ رم را در پروژهای «دالان تجاری بزرگ» بین هند، اسرائیل، ایتالیا و آمریکا قرار داد. پس از به قدرت رسیدن راست‌گرایان، لفاظی‌های ضد بروکسل عملاً از بین رفت. رافائل فیتو، عضو حزب «برادران ایتالیا» و هم‌حزبی ملونی، اخیراً به عضویت کمیسیون اروپا درآمده است.

همین وضعیت در مورد مجارستان نیز صدق می‌کند، جایی که شعارهای پر سر و صدای حاکمیت ملی مانع از اجرای سیاست‌های لیبرالی نمی‌شود. در دوران نخست‌وزیری ویکتور اوربان، هزینه‌های آموزش و بهداشت به شدت کاهش یافت و مردم عادی با مالیات بر ارزش افزوده‌ای مواجه شدند که با ۲۷

درصد، بالاترین نرخ در اروپاست. نظام موجود اغلب «سرمایه‌داری رفاقتی» نامیده می‌شود. بزرگ‌ترین سهامدار بانک پیشرو MBH، لورینچ مسزاروش، دوست دوران کودکی اوربان است که اکنون ثروتمندترین مرد مجارستان محسوب می‌شود. از طریق این منبع مالی، از سایر نیروهای راست افراطی نیز حمایت می‌شود. حزب «وُکس» برای انتخابات ۲۰۲۳، ۹.۲ میلیون یورو دریافت کرد، در حالی که پیش‌تر حمایت مشابهی به مارین لوپن ارائه شده بود.

همانند ایتالیا، سرمایه‌گذاری خارجی در مجارستان به‌خوبی پیش می‌رود. شرکت تسلیحاتی آلمانی «راین‌متال» یک شبکه‌ی گسترده از تأسیسات تولیدی در این کشور دارد. کارخانه‌ی زالاگرسگ، تانک‌های Panther KF51 و خودروهای زرهی Lynx را تولید می‌کند، در حالی که در وارپالوت مهمات ساخته می‌شود. علاوه بر این، یک کارخانه‌ی دیگر در سگد در حال احداث است.



نئوفاشیسم روزمره

علاوه بر حملات علیه مهاجران، هدف دیگر راست افراطی بازنویسی تاریخ و تطهیر دیکتاتوری‌های فاشیستی است. الکساندر گاولاند، رئیس مشترک حزب «آلترناتیو برای آلمان» (AfD)، می‌گوید: «اگر فرانسوی‌ها به‌درستی به امپراتورشان افتخار می‌کنند و بریتانیایی‌ها به نلسون و چرچیل، پس ما نیز حق داریم به دستاوردهای سربازان آلمانی در دو جنگ جهانی ببالیم.» هم‌حزبی او، آلیس وایدل، که نوهی یکی از اعضای حزب نازی و قاضی اس‌اس در ورشو است، خواستار «رها شدن از فرقه‌ی شرم» است؛ یعنی کنار گذاشتن احساس گناه از جنایات فاشیسم.

حتی فراتر از این، نشریه‌ی نظری این حزب، مجله‌ی Compact، ادعا می‌کند: «سربازان آلمانی با نجابت و عزت جنگیدند. جنایات فردی به‌شدت توسط دادگاه‌های نظامی مجازات می‌شد.»

این نوع دیدگاه‌ها از خارج از کشور نیز مورد حمایت قرار می‌گیرد. ایلان ماسک، در یک سخنرانی ویدیویی در یک گردهمایی انتخاباتی AfD در هاله، از آلمانی‌ها خواست که به تاریخ خود افتخار کنند. او گفت: «توجه بیش‌ازحدی به گناه گذشته می‌شود؛ ما باید از آن عبور کنیم.» در سال ۲۰۱۸، در دویستمین سالگرد تولد کارل مارکس، AfD تظاهراتی را علیه نصب مجسمه‌ی او در تری‌یر سازماندهی کرد و اعلام کرد که حفظ یاد و خاطره‌ی کسی که «رنج‌های بسیاری بر مردم تحمیل کرد» غیرقابل قبول است.

در ایتالیا نیز رژیم موسولینی تطهیر می‌شود. در ۹ فوریه، شاخه‌ی جوانان حزب «برادران ایتالیا» راهپیمایی‌هایی را به یاد «شهدای فویبه» برگزار کرد—نامی که به مقامات و مهاجران رژیم فاشیستی داده می‌شود که قربانی انتقام پارتیزان‌های یوگسلاو شدند. در بولونیا، تظاهرکنندگان خواستار بازپس‌گیری ایستریا و دالماسی شدند



مشابه توسط ملت‌های غیروپایی همراه باشد. داده‌های نظرسنجی‌ها جالب توجه است: اگر در کل جمعیت بریتانیا ۳۳ درصد معتقدند که باید به گذشته‌ی استعماری افتخار کرد، این رقم در میان رأی‌دهندگان این حزب ۶۴ درصد است. همچنین، همین درصد بر این باورند که مستعمرات پس از تصرف توسط بریتانیا، وضعیت بهتری پیدا کردند.

اوربان، متحد هیتلر، میکלוش هورتی را «یک سیاستمدار استثنایی» می‌نامد. برای او و سایر همکارانش، از جمله آلبرت واش و یوزف نیری، مجسمه‌هایی برپا شده است و در برنامه‌های درسی به عنوان «قهرمانان ملی» معرفی می‌شوند. وقایع سال ۱۹۵۶ به عنوان «انقلابی علیه سرکوب امپراتوری شوروی» توصیف می‌شود. اوربان در پاییز گذشته گفت: «اکتبر ۱۹۵۶ نام شجاعان مجارستان را با حروف طلایی در کتاب بزرگ تاریخ ثبت کرد.» در مقابل، تشکیل جمهوری شوروی مجارستان در سال ۱۹۱۹

و حتی به ساختمان شهرداری حمله کردند.

حزب «وُکس» در اسپانیا نیز چنین الگوهایی دارد. این حزب از شرکت در مراسم پنجاهمین سالگرد سقوط دیکتاتوری فرانکو خودداری کرد و اعلام نمود: «ما در این مرده‌پرستی مضحک که مردم اسپانیا را دچار دودستگی می‌کند، شرکت نخواهیم کرد.» مارین لوپن، برخلاف پدرش، جرأت نمی‌کند که از همدستان رژیم ویشی دفاع کند، اما با تمام توان از امپریالیسم حمایت می‌کند. او می‌گوید: «استعمار، دستاوردهای زیادی برای مستعمرات سابق، به‌ویژه الجزایر، داشت» و از مقامات به دلیل هرگونه عذرخواهی از ملت‌های مستعمره انتقاد می‌کند.

حزب اصلاح‌طلب بریتانیا خواستار «حفاظت از هویت ملی» و آموزش برای «میهن‌پرستی» است. به نظر این حزب، هر اشاره‌ای به جنایات دوران استعمار و برده‌داری در کتب درسی باید با ذکر نمونه‌هایی از اقدامات



به عنوان یک «خیانت ملی» تلقی می‌شود.

مسئله‌ی همدلی با مسکو هم پیچیده است. احزاب «وُکس»، «چگا» و «جنبش ملی لهستان» از اوکراین حمایت می‌کنند. در سایر موارد، گرایش «طرفدار روسیه» بیشتر جنبه‌ی عوام‌فریبانه داشته و به عنوان ابزاری برای مقابله با بروکسل مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما پس از رسیدن به قدرت کنار گذاشته می‌شود. ایتالیا به کی‌یف سلاح ارسال می‌کند و اظهارات ضدروسی دارد. سرجیو ماتارلا، رئیس‌جمهور ایتالیا، اخیراً «تهاجم روسیه» را با جنایات رایش سوم مقایسه کرد. وزارت خارجه‌ی روسیه این مقایسه را «افترای موهن» خواند. پس از آن، ملونی از رئیس‌جمهور حمایت کرد و گفت: «اظهارات مسکو به کل ملت ایتالیا توهین می‌کند. من همبستگی کامل خود را با رئیس‌جمهور اعلام می‌کنم.» چنین تغییر موضعی در میان دیگر «اصول‌گرایان» نیز دیده می‌شود.

همانند ایالات متحده، رشد واکنش‌های راست‌گرایانه تصادفی نیست، بلکه حرکتی هدفمند از سوی طبقات حاکم است. سیاست‌های نئولیبرالی مبتنی بر بهره‌کشی از ملی‌گرایی و ضدمارکسیسم تقریباً تمام لایه‌های نخبگان غربی را تحت تأثیر قرار داده است. در بریتانیا، حزب کارگر از محافظه‌کاران در ریاضت اقتصادی و خصوصی‌سازی پیشی گرفته، در حالی که محافظه‌کاران از مستعمرات سابق می‌خواهند که بابت «میراث به‌جای‌مانده» سپاسگزار باشند. دموکرات‌مسیحیان آلمان همراه با AfD به نفع سیاست‌های ضد مهاجرت رأی داده و کاهش شدید مالیات بر شرکت‌ها را وعده می‌دهند.

همان‌طور که در گذشته، سرمایه با تغییر متناوب سوسیال‌دموکرات‌های بورژوا و نئوفاشیست‌های بورژوا، سلطه‌ی خود را حفظ می‌کند. تنها کمونیست‌ها قادرند این چرخه‌ی معیوب را متوقف



کنند-اما برای این کار، باید
چشم‌اندازی سیاسی روشن داشته
باشند و در دام‌هایی که سرمایه‌داری
پهن کرده نیفتند.